

هفت رهنمود مربیان زبده آموزشی برای شکوفایی استعداد های نهانی فرزندان شما

مترجم: ابوالفضل امیردیوانی



۱- عشق و علاقه به فراگیری را در فرزندتان پرورانید.

این تنها کافی نیست که پدران و مادران اهمیت آموزشگاه را به فرزندانشان یادآور شوند. آنان باید به جگر گوشه‌هایشان بیاموزند که آموزش با گذراندن یک پایه (کلاس) یا گرفتن یک مدرک پایان نمی‌گیرد بلکه فراگیری، راه چگونه زیستن را نشان می‌دهد.

خانم ماریون فولر، دبیر کلاس‌های دهم و یازدهم دبیرستانی در منطقه هارلم نیویورک است. در سال ۱۹۹۷، ۹۳ درصد از دانش‌آموختگان این آموزشگاه راهی دانشگاه شدند.

دبیر یاد شده ضمن اشاره به یک تن از شاگردان خود به نام تای جانا میشل یادآوری می‌کند که چه سان الگو و سرمشق بودن پدر و مادر می‌تواند الهام‌بخش فرزند باشد. هفت سال قبل مادر این دانش‌آموز برای اخذ مدرک بالاتر در کلاس‌های شبانه دانشکده شرکت جست، به این ترتیب که روزها کار و شب‌ها تحصیل می‌کرد. وی می‌گوید: "شاگرد مزبور طی نگارش مقاله‌هایی مدارس را بسیار ستایش می‌کرد."

هر چند بعضی از دوستان تای جانا مردود و ناچار از ترک تحصیل شدند، لکن او به تحصیلاتش ادامه داد تا این که در موعد مقرر فارغ‌التحصیل شد و بلافاصله وارد دانشکدهٔ مانهاتن گردید. مادرش می‌گوید: "من پیوسته به وی گوشزد می‌کردم که مدرسه تنها نخستین مرحلهٔ فراگیری می‌باشد." بعد می‌افزاید: "اعمال و رفتار من برای او آینهٔ عبرت است." او به دنبال سخنانش اضافه می‌کند: افزایش علاقه و اشتیاق به آموزش در فرزندتان، مستلزم پول و هزینه‌های کلان نیست بلکه بگذارید بچه‌ها مطالعه کردن شما را ببینند. آنان را به گنجینه‌ها (موزه‌ها) یا

خانم شارون درپیر، دبیر زبان انگلیسی دبیرستانی در امریکا و یکی از معلمان برگزیدهٔ سال ۱۹۹۷، از این که یکی از شاگردان کلاس هشتم او به اسم ریچارد سیسل دمام از انجام تکالیفش خودداری می‌ورزید، نگران و پریشان شده بود. وی سرانجام روزی سر به سر ریچارد گذاشت و گفت: "اگر تکالیف را انجام ندهی، ناچارم شبی برای صرف شام به منزلتان بیایم."

شارون، قبلاً دبیر خواهر و برادر بزرگ‌تر ریچارد بود و با مادرشان، خانم روت، ارتباط صمیمانه‌ای داشت. همین مسأله سبب شد که ریچارد فوراً شروع به انجام دادن تکالیفش کند. روت می‌گوید: "ریچارد می‌دانست که چنانچه تکالیفش را انجام ندهد، من خیردار می‌شوم."

خانم در پیر، پدران و مادران شاگردانش را ترغیب می‌کند که از هنگام شروع سال تحصیلی با معلم فرزند خود در تماس باشند. وی در توجیه نظرش می‌افزاید:

"در این صورت والدین از انتظارات مربی آگاه می‌گردند، معلم با محیط و شرایط خانوادگی دانش‌آموز آشنا می‌شود و دانش‌آموز هم همبستگی چشمگیری را احساس می‌کند."

پژوهش‌های فراوان حکایت از آن دارند که بسین پیشرفت‌های تحصیلی دانش‌آموزان و تماس‌های پیاپی پدران و مادران (قطع نظر از میزان تحصیلاتشان) با اولیای مدرسه ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

شما برای کامیابی فرزندتان در مدرسه به چه تلاش دیگری دست می‌زنید؟ مقاله‌ای که پیش روی خود دارید، بیانگر رهنمودها و راه‌کارهای معلمان ورزیده و نمونه است. باشد که مواردی از آن‌ها، مفید واقع شوند.

درگیر مسائل مدرسه کنند. این امر به فرزندانشان ثابت می‌کند که واقعاً آنچه آنان در آموزشگاه انجام می‌دهند، مورد توجه و علاقه پدر و مادرشان است. گفت‌وگو با فرزندان یک طرف قضیه است و کارایی چندانی ندارد، ولی همین که در پشت حرف و سخن شما، کنش و کوششی نهفته باشد، داستان حال و هوای تازه‌ای پیدا می‌کند.

خانم ماری می‌گوید: "برای نیل به این هدف لزومی ندارد که در زمینه مخصوصی چیره دست بوده، یا اوقات فراغت زیادی داشته باشید. همهٔ مربیان از هم‌قدمی‌های ارزندهٔ والدین در سفرهای علمی، تماس تلفنی با دیگر پدران و مادران و ماشین کردن اوراق طرح‌های ویژه و... استقبال می‌کنند. از معلم فرزندان بپرسید به چه چیزی احتیاج دارد.

۳- دائماً با معلم فرزندان در تماس باشید.

این که زمان خاصی را به منظور تماس با مربیان در نظر بگیرید و یا راجع به آنچه فرزندان فرامی‌گیرد اطلاعات موثقی به دست آورید، کاری بس دشوار و توانفرساست. دبستان نیوفیلد در یکی از ایالات کشور آمریکا، برای حل این مشکل، تلفن مستقیم تکالیف مدرسه دایر کرده است. به این ترتیب که پدر و مادر می‌توانند ضمن تماس تلفنی با مدرسه، به پیام معلم که روی نواری ضبط شده است گوش فرا دهند و بدانند که فعالیت آن روز کلاس چه بوده و چه تکلیفی تعیین شده است.

آقا و خانم دبی و لئون شاپیرو دو بچهٔ شش و هشت ساله به نام‌های دانیل و آدام دارند که در مدرسهٔ نیوفیلد سرگرم تحصیل‌اند. دبی می‌گوید: پیش از این که از سرکارم به خانه بیایم، به پیام

نمایشگاه‌ها ببرید. ممکن است در مکان‌های اجرای برنامهٔ موسیقی (کنسرت)، جای نشستن پیدا نکنید، اما همیشه محلی برای ایستاده تماشا کردن هست."

۲- به آنچه می‌گویید، عمل کنید.

هنگامی که دکتر ادموند برالی - جراح و متخصص دهان و دندان - عضو انجمن اولیا و مربیان دبیرستان فرزندش شد؛ دبیر علوم پسرش، ببرت، خود را به او رساند و گفت که وجودش در سر کلاس لازم است. خانم بتسی مار بی، معلم مربوط، در این باره می‌گوید: "من بخشی از میکروبیوشناسی (میکروبیولوژی) را درس می‌دادم، بنابراین از دکتر برالی خواهش کردم که به کلاس بیاید و در مورد شیوهٔ انتشار باکتری‌ها، اطلاعاتی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد."

پزشک نامبرده که تحت تأثیر شور و شوق خانم ماری قرار گرفته بود، به توضیحات شفاهی اکتفا نکرد. او شاگردان پایهٔ هفتم را واداشت که نمونه‌هایی مانند مسواک و ناخن‌گیر جمع‌آوری نمایند و درون ظروف آزمایشگاه قرار دهند. وی باکتری‌ها را در ظرف‌ها کشت داد و بعد آن‌ها را به کلاس آورد تا باکتری‌هایی را که کشت داده بود به بچه‌ها نشان دهد.

پی آمد این عمل پزشک مذکور، تنها تکثیر و وفور باکتری‌ها نبود، بلکه چنین عملی او را نسبت به پسرش صمیمی‌تر گردانید و یاری‌اش کرد تا دیدگاه جدیدی دربارهٔ علوم بیاید. دکتر برالی لبخند زنان می‌گوید: "یک پدر با کمال سادگی می‌تواند محبت بزرگی در حق فرزندش بکند."

خانم ماری که عضو انجمن انستین وابسته به وزارت آموزش و پرورش امریکاست، تأکید می‌کند: "برای پدر و مادر ضرورت دارد که خود را

تهیه کنید و تمام تکالیف درسی را بر اساس گاه شمار (تقویم) تنظیم نمایید، تا جایی که او بتواند خود به تنهایی گام‌هایی بردارد و پیشرفت کند. یادش دهید که چه سان می‌شود تکالیف درسی را به بخش‌های منطقی تقسیم کرد.

به قول خانم ماریون فولر: "امکان دارد فرزندان تصور کند که چون روز بعد هیچ کار کلاسی ضروری معین نشده است، پس هیچ تکلیفی ندارد؛ حال آن که در طول هفته با تکالیف زیادی سروکار دارد و لازم است که از هم اکنون شروع به انجام آن‌ها نماید."

ممکن است دانش‌آموزان بزرگ‌تر نیازهای خاصشان را داشته باشند. شارون درپیر می‌گوید: "جمع‌گیری از شاگردان پایه دوم و سوم دبیرستان به علت رخدادهای روحی و جسمی و مسائل فرهنگی که به طور هم‌زمان در زندگی‌شان روی می‌دهند، کوچک‌ترین اشتیاقی به برنامه و برنامه‌ریزی ندارند."

تلفنی گوش می‌دهم و فوراً اطلاعات مربوط به فرزندم را دریافت می‌کنم. "حتی موقعی که او در سفرهای کاری به سر می‌برد، لئون توسط خطوط ارتباطی از مسائل درسی فرزندانشان مطلع می‌شود."

راه‌های دیگری نیز برای تحکیم این پل ارتباطی وجود دارد. شارین بیر مربی برجسته کودکستان "آدم" که برنده جایزه مخصوص است، می‌گوید: "بسیاری از پدران و مادران به وسیله پست الکترونیکی با من تماس می‌گیرند. به این نحو می‌توانم خارج از کودکستان با ۲۳ نوآموز خود تماس حاصل کنم. بعد موقعی که با هم روبه رو می‌شویم می‌توانم گره‌گشای مشکلاتشان بشوم."

۴- کمک کنید که فرزندان مطابق برنامه عمل کنند.
با مشارکت و هم‌گامی فرزندان، برنامه کاری



همکاران شاغل به تدریس وی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری بر روی ۸۳ کودک سه ساله از قشر کم درآمد بررسی‌هایی انجام دادند. بر پایه این مطالعات معلوم شد کودکانی که افراد خانواده‌شان با هم غذا می‌خورند، کلمه‌های بیش‌تری می‌دانند. به باور آقای بیلز: "بچه‌ها اکثر اوقات به هنگام صرف غذا در جریان گفت‌وگوهای روزمره قرار می‌گیرند و همین امر سبب بهبود و تقویت دایره لغات و در نتیجه افزایش توانایی خواندن در آن‌ها می‌شود."

عده علاوه بر پیشرفت تحصیلی، بفرمایند یادگیری هم تأکید کنید.

یکی از دانش‌آموزان پایه دوم دبستان در شهر میدیسن (ایالت می‌سی‌سی‌پی) تلاش فراوانی در مورد افزایش توانایی روخوانی‌اش به کار می‌بست. لیکن مادرش که نسبت به پیشرفت وی ناشکیبا بود، هر شب او را تحت فشار قرار می‌داد. سرانجام آموزگار کلاس یعنی خانم جولی فریس با مادر شاگرد مزبور دربارهٔ ایجاد "جو آموزشی بدون تنش" به گفت‌وگو پرداخت و گفت: "اگر بگذارید فرزندتان در محیطی آزاد مطالبی برایتان بخواند و اجازه دهید هم چنان برای بیان خود از زبان استفاده کند، سرانجام آن زمان فرا می‌رسد که وی به تنهایی همه چیز را بخواند." همین‌طور هم شد.

نظر خانم فریس، معلم نمونه سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ ایالت می‌سی‌سی‌پی بر این است که همهٔ حواس والدین به نمره‌هایی است که فرزندشان می‌گیرد. او یادآوری می‌کند: "اگر فرزندتان پیاپی نمرهٔ بیست بگیرد، لکن نداند که برای کسب این نمره‌ها چه کاری کرده است، آن نمره‌ها را ملاک پیشرفت قرار ندهید."

آماندا استالکوپ ۱۴ ساله از اهالی چساییک (ایالت ویرجینیا) از لحاظ تنظیم وقت انجام تکالیفش با مشکلاتی روبه‌رو بود و هر وقت که می‌بایستی تکلیف خود را به معلمش ارائه می‌داد، اغلب آن را پیدا نمی‌کرد. موقعی که معلم طی یادداشتی خطاب به پدر و مادرش نوشت: "آماندا کارش را خوب انجام می‌دهد اما به نظر من مشکل اصلی او آشفتگی ذهنی است که قادر به یافتن تکالیفش نیست"، آنان کوچک‌ترین تعجبی نکردند.

فکر بکری به نظر ایشان رسید و به یک راه‌حل عملی دست یافتند و آن این که بهتر است آماندا تکلیف هر درسی را مثل قبل در دفتر مخصوصی بنویسد و تمام تکالیفش را در رایانه ثبت کند. نظرشان این بود که: "اگر نسخهٔ چاپی را گم کرد، مطالب مورد نظرش روی گرده (دیسک) باقی بماند. مادر آماندا خاطر نشان می‌سازد: "راه‌کارهایی از این دست بسیار ساده‌اند، اما بهره‌گیری از آن‌ها سبب می‌شود تا دگرگونی عظیمی رخ دهد."

سه همواره با خانواده خود غذا بخورید.

جینا راثو، آموزگار بچه‌های شش تا هشت سالهٔ دبستانی در منطقهٔ اروینگ بی ویر شهر آیووا که در نشریهٔ آموزشی "کی - ۸" تحت عنوان "معلم با تجربه" از او یاد شده است، قاطعانه می‌گوید: "به عقیدهٔ من مهم‌ترین چیزی که باید والدین رعایت کنند، اختصاص زمان خاصی برای گذراندن وقت با بچه‌هاست." پژوهش‌های به عمل آمده حکایت از آن دارند که صرف غذا با خانواده از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

در سال ۱۹۷۸ دایان بیلز - استادیار رشتهٔ علوم تربیتی دانشگاه واشنگتن در سنت لویس و

رشد و بلوغ به سر می‌برد و می‌بایست با نامالایمات عصر خویش به نبرد برخیزد، از مادرش می‌شنید: "یادت نرود تو از خانواده‌ای هستی که کار و تلاش سخت را نصب‌العین خویش قرار داده و پیوسته به اهدافشان نایل شده‌اند."

خانم کالینز با یادآوری خاطرات گذشته می‌گوید: "حتی زمانی که به دانشکده می‌رفتم، مادرم پیوسته برایم یادبرگ‌ها (کارت پستال‌ها) می‌فرستاد و آن جمله را بالای آن‌ها می‌نوشت. آن پیام در ذهنم به ثبت رسیده و هنوز هم به یاد دارم." او می‌گوید خواست‌ها و انتظارات والای پدر و مادرش یکی از عوامل و دلایل تلاش او می‌باشد. وی در این زمینه اظهار می‌دارد: "همان‌گونه که شما هرگز به کمک نقشه می‌سی‌سی پی نخواهید توانست به نیویورک برسید، کودکان هم باید بدانند که مقصدشان کجاست. در حقیقت آن‌ها به یک نقشه ذهنی احتیاج دارند."

یکی از روش‌های ترغیب کودک به اندیشیدن درباره آینده این است که اهداف خانوادگی‌اش را معین کند. کالینز از پدران و مادران می‌خواهد که ضمن نگارش جمله‌ای، آرمان‌های خانواده‌شان را طی آن بیان دارند. وی می‌گوید: "واژه‌ها نیرو بخش‌اند. هنگامی که به مدرسه گام می‌نهد، روح برتری را حس می‌کند."

خانم کالینز در مقام یک مربی اعتقاد دارد: "وظیفه عمده من این است که هیچ شاگردی را نادیده نگیرم، بلکه بگویم دانش آموز ضعیفی را کمک کنم تا به دانش آموزی خوب و ایده‌آل بدل گردد و شاگرد خوبی را ممتاز گردانم."

خانم بتسی ماری توصیه می‌کند: "موقعی که فرزندان از شما یاری می‌جویند، به عنوان پدر و مادر باید فرصت و ابزار ضروری را در اختیارشان بنهید تا خودشان پاسخ را بیابند. به عنوان مثال به جای این که به فرزندان بگویید: "پایتخت رومانی کجاست؟" به او بگویید: "فکر می‌کنی پاسخ این پرسش را از چه منبعی می‌شود یافت، از لغتنامه یا اینترنت؟"

خانم مولر در این باره توصیه می‌کند: "اخذ نمره کم به وسیله فرزندان باید معیاری باشد تا شما را وادار نماید که ببینید چه عاملی سبب افت تحصیلی وی شده است و آیا او به کمک معلم خصوصی احتیاج دارد و یا گرفتن نمره کم صرفاً به دلیل کم کاری و مسامحه اوست؟"

۷- سطح توقعات خود را نسبت به فرزندان بالا ببرد.

موقعی که خانم ماروا کالینز - دبیر بلند آوازه و مشاور دوره پیش دانشگاهی - در سال ۱۹۵۹ شروع به تدریس در ناحیه فقیرنشین کرد، دریافت که دبیران پیشین انتظار چندانی از دانش‌آموزان نداشته‌اند. وی ناامیدانه به برپایی مدرسه‌ای بر این اصل همت گماشت که: هر شاگردی کامیاب می‌شود، اگر از او انتظار کامیابی برود. وی همه را از پی آمدهای ناشی از آموزش خود شگفت‌زده کرد. بسر طبق شیوه آموزشی خانم کالینز، دانش‌آموزان سال دوم با سوفوکلوس، لانگفلو و کیپلینگ آشنا می‌شوند و شاگردان کلاس سوم درباره لاتین، تولستوی و چاسر مطالعه می‌کنند و همگی اطلاعاتی از شکسپیر دارند.

همه مدارسی که بر پایه معیارها و نظریات خانم کالینز مشغول فعالیت هستند، دارای ارزش و اعتبار فراوانی می‌باشند. خود او وقتی که در دوران

